



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن
موضوع جزئی: قلمرو قاعده - جهت ثالثه: شمول اخبار من بلغ نسبت به
تاریخ: ۲۲ دی ۱۳۹۴
مصادف با: ۱ ربیع الثانی ۱۴۳۷
جلسه: ۲۳
خبر ضعیف دال بر حرمت

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در قلمرو قاعده تسامح در ادله سنن بود، عرض کردیم در مورد قلمرو قاعده از چند جهت بحث می‌کنیم، پنج جهت گفتیم که احتمالاً بیشتر شود، دو جهت را مورد رسیدگی قرار دادیم، یکی شمول قاعده و اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیفی که علم وجدانی یا تعبدی به کذب آن داریم، دوم شمول قاعده نسبت به خبر ضعیف دال بر وجوب بود که مورد رسیدگی قرار گرفت.

جهت سوم: شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دال بر حرمت

بحث این است که اگر خبر ضعیفی دال بر حرمت عمل یا فعلی قائم شد آیا از این خبر می‌توانیم کراهت را استفاده کنیم یا نه؟ یعنی به استناد اخبار من بلغ بگوییم خبر ضعیف دال بر حرمت حمل بر کراهت می‌شود، در اینجا دو نظریه وجود دارد:

۱. بعضی قائلند می‌توانیم کراهت را استفاده کنیم.

۲. بعضی قائل به عدم شمول این اخبار نسبت به خبر ضعیف دال بر حرمت می‌باشند.

قول اول: دلیل بر شمول (استفاده کراهت)

دلیلی که بر استفاده کراهت اقامه شده این است:

اگر خبر ضعیفی بر حرمت عملی دلالت کند بالملازمه دلالت بر این دارد که ترک آن فعل ثواب دارد، وقتی ترک فعل ثواب داشت، قهراً اخبار من بلغ شامل آن می‌شود، چون در این صورت عنوان «من بلغه شیء من الثواب» به اعتبار اینکه بالملازمه دلالت بر ثواب بر ترک آن عمل دارد شامل خبر ضعیف دال بر حرمت می‌شود، و ثواب بر ترک عمل یعنی استحباب ترک عمل، و لذا کراهت ثابت می‌شود چون استحباب ترک یعنی کراهت، پس به این بیان می‌گویند که خبر ضعیف دال بر حرمت به استناد اخبار من بلغ حمل بر کراهت می‌شود.

این دلیل مبتلا به چند اشکال است:

اشکال اول

عنوان «بلوغ الثواب» بر خبر ضعیف دال بر حرمت صدق نمی‌کند، اگر خبر ضعیفی دال بر حرمت شیء شد، این مصداق بلوغ الثواب نیست، چون ما باید عنوان بلوغ الثواب را احراز کنیم، عنوان بلوغ الثواب در خبری که دال بر حرمت است محقق نمی‌شود، احراز این عنوان مهم است، حال اگر خبری دال بر حرمت شیء شد، این به حسب ظاهر لفظ بلوغ

الثواب نیست، بلکه در واقع بلوغ العقاب است، اینکه بالملازمه دلالت بر ثواب بر ترک دارد و ثواب بر ترک ملازم با استحباب است اینها در واقع با ظاهر این لفظ سازگار نیست، ما با وسائط متعدد باید این را برگردانیم به عنوان بلوغ الثواب، پس اولین اشکال این است که اگر موضوعی و عنوانی در دلیل اخذ شد و حکمی برای آن عنوان بیان شد، باید این عنوان را احراز کنیم و در اینجا احراز عنوان محل اشکال است و قابل احراز نیست، و لذا ظاهر این اخبار شامل خبر دال بر حرمت نمی‌شود. به هر حال متفاهم عرفی از این دلیل این نیست و ما نمی‌توانیم با واسطه درست کردن و ایجاد یک سری مقدمات این را مشمول این اخبار کنیم، باید از نظر عرف یک عنوانی محرز شود تا حکم آن ثابت شود، حال آیا واقعا عرف بر خبر دال بر حرمت عنوان بلوغ الثواب را منطبق می‌بیند؟ عرف باید این عنوان را احراز کند، درحالی که از نظر عرف این عنوان بر خبر دال بر حرمت منطبق نیست و ما واقعا نمی‌توانیم بلوغ الثواب را در این مورد احراز کنیم.

پس اینکه گفته اند خبر شامل می‌شود چون بلوغ الثواب اینجا تحقق دارد و این هم مصداقی از بلوغ الثواب است واقع این است که این بلوغ الثواب نیست، این در واقع «بلوغ العقاب» است «علی الترمذی».

اشکال دوم

این بیان روی مبنای معروف و مشهور است که اخبار من بلغ را دال بر استحباب یا حجیت می‌دانند، (به طور کلی نوع استدلالها و اقوالی که در این بحث از قلمرو اخبار می‌کنیم نوعاً ناظر به مبنای مشهور است، ادله نوعاً از طرف آنها اقامه شده است و اشکالات هم این چنین است).

اما روی مبنای مختار مسئله استحباب منتفی است، ما گفتیم اخبار من بلغ در واقع اخبار از ثواب می‌کنند تفضلاً، لذا بر فرض بگوییم خبر دال بر حرمت هم در واقع به نوعی ملازم با این است که ترک ثواب دارد، یعنی این اخبار بالملازمه دلالت کند بر ترتب ثواب بر ترک، ولی اینکه ثواب بر ترک مترتب می‌شود ملازم با استحباب ترک نیست تا از آن کراهت را نتیجه بگیریم، ممکن است ثواب بر ترک مترتب شود به شرط اینکه ما خبر دال بر حرمت را بالملازمه دال بر ترتب ثواب بر ترک بدانیم، نهایتش این است که این دلالت می‌کند بر اینکه ترک ثواب دارد ولی کراهت از آن استفاده نمی‌شود، چون کراهت در واقع طبق نظر مستدل یعنی چیزی که ترک آن مستحب است نه چیزی که ترک آن ثواب دارد، لذا روی این مبنا حتی اگر ملازمه را هم بپذیریم باز هم کراهت از آن استفاده نمی‌شود، فو قش این است که طبق نظر مختار ترتب ثواب بر ترک خواهد بود.

اشکال سوم

اشکال سوم به اصل این ملازمه است، اساساً مسئله حرمت اینگونه نیست که به معنای این باشد که ترک آن ثواب دارد، حرمت یعنی اینکه عمل مفسده دارد، و منع شده است از وقوع در این مفسده، اما اگر منع از وقوع در این مفسده شده، به این معنا نیست که بر ترک هم ثوابی مترتب می‌شود، به عبارت دیگر احکام تکلیفی، احکامی نیستند که انحلال به دو

حکم پیدا کنند، حرام یعنی عملی که دارای یک مفسده است، اگر نهی می‌شود، این در واقع به معنای این است که ما را از وقوع در مفسده باز داشته اند، اگر آن حرام را مرتکب نشویم، در مفسده واقع نمی‌شویم، ولی به این معنا نیست که بر ترک حرام هم به ما ثواب بدهند، پس اصل ملازمه بین دلالت بر حرمت و دلالت بر ترک ثواب محل اشکال است. به عبارت دیگر اینطور نیست که بگوییم چون این ترکش واجب است پس یک مصلحتی هم در این ترک وجود دارد، تنها مصلحت آن عدم وقوع در مفسده است و مصلحت خاصی جدای از این ندارد، همین که انسان در مفسده نیفتد خودش بالاترین مصلحت است.

فتحصل، دلیل عمده قائلین به استفاده کراهت و حمل خبر دال بر حرمت بر کراهت، محل اشکال است. اولاً: عرض کردیم این مصداق بلوغ الثواب نیست تا اخبار من بلغ شامل آن شود.

ثانیاً: ملازمه دلالت بر حرمت و ترتب ثواب بر ترک محل اشکال است.

ثالثاً: بین ثواب بر ترک و استحباب ترک و کراهت فرق است، حتی اگر این ملازمه هم پذیرفته شود، ثواب بر ترک و حتی استحباب ترک غیر از کراهت است، وقتی چیزی کراهت دارد یعنی مفسده غیر ملزمه دارد، ولی وقتی می‌گوییم ترک ثواب دارد این معنایش این نیست که یک مصلحتی جدای از آن چیزی که در خود کراهت وجود دارد به این متعلق شود.

خلاصه اینکه بین کراهت و ثواب بر ترک و حتی استحباب ترک تفاوت است.

سوال:

استاد: ایشان می‌خواهد بگوید اگر ما ملازمه بین ترک حرمت و ثواب را بپذیریم، این برای آن مواردی است که حرمت آن برای ما ثابت شده باشد، اینجا حرمت احتمالی است و چون حرمت احتمالی است، ملازمه ای بین حرمت احتمالی و ترتب ثواب بر ترک حرمت احتمالی نیست، اشکال ایشان این است.

آنهايي که قائل به ملازمه هستند می‌گویند: آن خبر ضعیف دال بر حرمت بالملازمه دلالت می‌کند بر اینکه ترک آن ثواب دارد، لذا مشمول اخبار من بلغ می‌شود، این ملازمه جای دیگر ثابت شده است، ملازمه بین ترک حرمت و ترتب ثواب ربطی به اخبار من بلغ ندارد، ملازمه خارجاً می‌باشد.

اینجا ایشان می‌گوید: اگر ملازمه را بپذیریم، یک مشکل دیگری وجود دارد، طرفین ملازمه چه چیزی است؟ «الحرمة المعتبرة، یا مسلمة یا قطعیه» و «ترتیب الثواب علی ترک» اما اینجا شامل خبر ضعیف دال بر حرمت نمی‌شود، چون بین «الحرمة المحتملة» و «ترتیب الثواب علی ترک الحرمة المحتملة» ملازمه نیست، شاید این اشکال هم وارد باشد. به هر حال مجموعاً دلیل قول اول باطل شد.

قول دوم: عدم شمول

اما قول دوم این بود که این اخبار شامل خبر ضعیف دال بر حرمت نمی‌شود، دو دلیل بر این قول اقامه شده است:

دلیل اول

به مقتضای اخبار من بلغ که می‌گوید: «من بلغه شیء من الثواب فعمله» آنچه انگیزه و داعی بر عمل است، بلوغ الثواب است، درحالی که در محرمات این داعی وجود ندارد، چون این مسئله موضوعیت دارد، یعنی می‌گوید «من بلغه شیء من الثواب فعمله» داعی بر عمل، بلوغ الثواب است و چیز دیگری نیست، ولی در محرمات این داعی نیست، آنچه در محرمات داعی است، فرار از عقاب است، نه بلوغ الثواب، نوعاً مکلف در درجه اول برای ترس از عقاب این عمل را ترک می‌کند، اینکه داعی او برای ترک آن عمل، ثواب باشد، این قابل قبول نیست، پس شامل محرمات نمی‌شود.

دلیل دوم

دلیل دوم از همان مطلبی که در اشکال به دلیل قائلین به استفاده کراهت گفتیم استفاده می‌شود، توضیح مطلب این است که:

اساساً شمول اخبار من بلغ نسبت به مورد محل بحث متوقف بر صدق عنوان بلوغ است درحالی که بر خبر ضعیف دال بر حرمت این عنوان منطبق نمی‌شود، منتهی اینجا چون در باب نهی دو مبنا وجود دارد، این توضیح و تحلیل بر اساس هردو مبنا انجام می‌شود، یعنی در واقع طبق هر دو مبنایی که در باب نهی وجود دارد می‌گویند: عنوان بلوغ الثواب تحقق ندارد.

مبنای اول: نهی عبارت است از جر از فعل.

مبنای دوم: نهی عبارت است از طلب الترتک.

هر کدام از این دو مبنا را که ما در باب نهی بپذیریم عنوان بلوغ الثواب صدق نمی‌کند.

عدم تحقق عنوان بر مبنای اول

اگر ما نهی را عبارت از زجر از فعل بدانیم، معنای زجر از فعل این است که آن عمل مفسده دارد و بخاطر این مفسده از آن نهی شده است، بنابر این اگر کسی کار ممنوع و منهی عنه را انجام دهد مستحق سرزنش و عقاب است.

حال بر این اساس خبر ضعیف دال بر حرمت در واقع اخبار می‌کند از زجر از فعل، چون نهی یعنی زجر از فعل، زجر از فعل یعنی نهی از وقوع در این مفسده، پس اگر خبر ضعیف دال بر حرمت باشد یعنی دارد اخبار می‌کند از مفسده این عمل، و لذا عنوان بلوغ الثواب دیگر معنا ندارد.

عدم تحقق عنوان بر مبنای دوم

طبق مبنای دوم که نهی عبارت از طلب ترک باشد، هم مسئله همینطور است، وقتی می‌گوییم چیزی منهی عنه واقع شده، یعنی طلب شده ترک آن بخاطر مفسده ای که در آن وجود دارد، نه اینکه مصلحتی در ترک آن باشد، مستدل می‌گوید ما در ادله هم جایی نداریم که بر ترک محرمات ثواب داده می‌شود. صرفاً این است که عقابی متوجه او نمی‌شود، پس طلب

ترک هم صرفاً ظهور در این دارد که منع از وقوع مفسده برای آن شخص تارک می شود. حال اگر اینگونه باشد در اینجا بلوغ الثواب صدق نمی کند.

پس دلیل دوم در واقع بر این اساس استوار است که عنوان بلوغ الثواب چه بر مبنای اینکه نهی را زجر از فعل بدانیم، چه بر این مبنای که طلب ترک بدانیم تحقق پیدا نمی کند، وقتی تحقق پیدا نکند اخبار من بلغ هم شامل آن نمی شود.

حق در مسئله

حق در مسئله هم همین است، که اخبار من بلغ شامل خبر ضعیف دال بر حرمت نمی شود، و از خبر ضعیف دال بر حرمت نمی توانیم کراهت را استفاده کنیم.

بحث جلسه آینده

جهت چهارم: شمول اخبار من بلغ نسبت به خبر ضعیف دال بر کراهت است.

«والحمد لله رب العالمین»